نشریه فرهنگ و ارتقای سلامت فرهنگستان علوم پزشکی
دوره هفتم، زمستان ۱۴۰۲، شماره چهارم، صفحات ۵۲۴ تا ۵۳۲

دیدگاه

تربیت و برنامه‌ریزی درسی قرآن بنیاد

حسن ملکی*[1]

۱. *نویسنده مسؤل: عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، تهران، maleki@atu.ac.ir

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۲۹ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲

چکیده

زمینه و هدف: معنویت گوهر گم شده بشریت است. این مقاله با هدف معرفی تربیت قرانی، الزامات و راهبردهای گسترش آن در برنامه‌ریزی درسی تدوین شده است.

روش: با رویکرد کیفی و به روش تحلیل محتواهای مستندات و منابع علمی‌دینی مقاله حاضر تهیه شده است.

یافته‌ها: ضمن تبیین واژه‌های معنویت قرآنی، تربیت معنوی، برنامه درسی معنوی و معنویت فرابرنامه درسی به مراحل و الزامات تدوین محتوای برنامه درسی و نحوه ارزشیابی فراگیران و نقش محیط آموزشی و خانواده پرداخته شده است.

نتیجه‌گیری: چنانچه همه عرصه‌ها و ابعاد تربیت روح معنوی و عالمان نیز در اثر تربیت صحیح و خدا محور روحیه معنوی داشته باشند، شاگردان معنوی پرورش پیدا می‌کنند. در چنین شرایطی برنامه‌های درسی مدارس جنبه معنوی آنان را تقویت می‌کند و شاگردان را معنویت‌گرای واقعیت‌محور پرورش می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: آموزش و پرورش، اسلام، برنامه آموزشی، معنویت

مقدمه

معنویت در عصر حاضر یک عنصر گم شده است و این خسران عظیم ریشه در عصر روشنگری دارد با این که بین سرشت انسان و دین الهی نسبت ذاتی وجود دارد ولی با عصیان نفسانی در برابر دین، عملاً صدمه بسیار سنگینی بر حیات انسانه وارد شده است. آن چه که تحت عنوان عرفان‌های کاذب نام برده می‌شود دربرگیرنده راه‌های غیراصیل است.

بی‌تردید معنویت حقیقی را در ادیان راستین الهی و به‌طور ویژه در دین اسلام و قرآن باید جستجو نمود. آنچه که هر پژوهشگری را مطمئن می‌کند اصالت الهی قرآن است که صیانت از هر نوع تحریف را خداوند وعده داده است. «خداوند، حافظ قرآن است و تمسک به قرآن، قرار گرفتن در فضای امن الهی است»(الحجر:۹).

روش

این تحقیق با رویکرد کیفی و به روش استنتاجی با تحلیل مستندات و منابع علمی‌دینی تهیه شده است.

نتایج

معنویّت قرآنی

واژه معنویت و یا مشتقّات آن در قرآن به کار نرفته است ولی آموزه‌های معنوی و ارتباط انسان با عالم ماورای ماده و دنیا در این کتاب الهی موج می‌زند و در قرآن چیزی جز معنویت نیست. البته معنویتی که از حوزه قرآن می‌توان الهام گرفت ن آن معنویتی که برخی مدعّیان راه گم کرده و پیروان سکولاریسم (Secularism) طرح می‌نمایند نیست. در اندیشه سکولاریستی، دین را در یک گوشه زندگی محصور و محدود می‌نمایند و عرصه زندگی را با علم و عقل اداره می‌نمایند. این پندار غلطی است که عده‌ای را به خود مشغول داشته و به یک امید واهی واداشته است. اگر دین خدا به درستی فهم شود و انسان نیز به نحو صحیح شناخته شود جز انطباق بین سرشت بشر و دستورات دینی نمی‌توان یافت.

قرآن یک طرح کلی معنوی است و همه نیازهای فطری از طریق آن پاسخ داده می‌شود. معنویت قرآنی خدا محور است نه انسان‌محور. وجه مشترک همه عرفان‌های کاذب انسان محوربودن است. هر کدام به نوعی زیر پرچم نیازهای جسمانی جمع شده اند و اگر از امور روحی و روانی نیز حرف می‌زنند در پرتو جسم حرف می‌زنند و لذت‌پرستی وجه مشترک آنهاست(۱)

وقتی که انسان محور قرار گرفت و رابطه آن با وحی گسسته شده بی‌تردید داوری‌ها در بازه او و معنویت او نیز از حقایق گسسته می‌شود و توهم جای یقین را می‌گیرد. در تعلیمات قرآنی، انسان در مرکز توجّهات است ولی انسانی که رو به سوی خداست نه انسان منقطع از خدا (الانشقاق:۶). این اصل تفاوت و تمایزی است که بین معنویت قرآنی و

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.22034/7.4.3]

معنویت‌های دروغین انسان ساخته وجود دارد. معنویت قرآنی در دنیا ساری و جاری است و معنویت محدود آخرت گروی صرف نیست. اصولاً دنیا باید معنوی باشد تا شاکله معنوی در انسان بروز و ظهور پیدا کند. دنیا در قرآن متاع قلیل و لهو و لعب نامیده شده است و دنیاپرستی را هشدار می‌دهد. ولی آباد کردن دنیا نیز دستور قرآنی است(هود:۶۱) این معنا را در ادعیه و مناجات نیز به زبان دیگر دریافت می‌کنیم مخصوصاً مواردی که مستقیماً از سوی الگوهای کامل معنویت الهی یعنی پیامبر اسلام(ص) و ائمه اطهار علیهم‌السلام صادر شده است. به عنوان نمونه مناجات شعبانیه به تنهایی یک منشور معنویت است. قسمتی از این مناجات با عظمت ارائه می‌شود:

«معبودم من بنده ناتوان گنه کار توام و برده توبه‌کننده به پیشگاهت، مرا از کسانی که رویت را از آنان برگرداندی قرار مده و نه از کسانی که عقلشان از بخششت محروم شان نموده. معبودم کمال جدایی از مخلوقات را برای رسیدن کامل به خودت به من ارزانی کن و دیدگان دل‌هایمان را به پرتو نگاه به سوی خویشتن روشن کن تا دیدگان دل، پرده‌های نور را دریده و به سرچشمه عظمت دست یابد و جان‌هایمان آویخته به شکوه قدرت گردد. خدایا مرا از کسانی قرار ده که صدایشان کردی، پس پاسخت دادند، به آنها توجه فرمودی پس در برابر بزرگی‌ات مدهوش شدند و با آنان راز پنهانی گفتی و آنان آشکارا برای تو کار کردند».

جامعه قرآنی اعضای خود را به سوی کسب معنا و دریافت معنویت سوق می‌دهد. اصولاً فرد مؤمن در جامعه مؤمن می‌شود و در کنار سایر انسان‌ها به ظرفیت بالاتر معنویت می‌رسد. خطاب‌های خداوند نسبت به بندگانش را ملاحظه کنید که نوعاً خطاب‌های جمعی است. همین نمازی که در هر روز به عنوان واجب الهی به جا می‌آوریم با زندگی جمعی درآمیخته است. تنها دعای واجب یعنی اهدنا الصراط‌المستقیم در سوره حمد آمده که در هر نماز تکرار می‌کنیم. به صورت جمعی از خدا طلب می‌کنیم که به صراط مستقیم هدایتمان کند. این نشانگر آن است که فرد از طریق مناسبات اجتماعی ظرفیت گسترده‌تری پیدا می‌کند و به صورت شایسته رشد می‌نماید. انسان رشیدی که قرآن درباره حضرت ابراهیم (ع) و حضرت شعیب (ع) و پیروان آنان ذکر نموده است معنای عمیق تربیتی دارد که جز با فهم معنویت قابل درک نمی‌باشد.

تربیت معنوی

سلامت معنوی حاصل تربیت معنوی است. بی تردید به موضوع سلامت معنوی از زوایای مختلف از جمله فقه، تفسیر، علم و الحدیث و غیره، همین طور از منظر علوم مختلف (پزشکی، بهداشت، جامعه شناسی، روانشناسی اجتماعی، ادبیات، هنر و...) می‌توان نگریست و بررسی کرد. آنچه که نمی‌توان در آن تردیدی به خود راه داد آن است که معنویت از طریق تربیت در جان می‌نشیند. علوم دیگر در توصیف، تحلیل و صورت بندی مباحث سلامت معنوی نقش مؤثری دارند ولی نمی‌توانند انسان معنوی پرورش دهند. انسان معنوی خروجی یک نظام تربیتی کارآمد است که در آن همه عناصر تربیت و به‌طور ویژه معلم از شایستگی و صلاحیت لازم برخوردار باشند و بتوانند کودک و نوجوان را قبل از هر نفوذ تربیتی دیگر تحت تأثیر قرار دهند و شاکله معنوی در آنان ایجاد کنند بعثت انبیاء علیه‌السلام حاکی از آن است که هیچ عامل دیگری از جمله علم و عقل نمی‌توانند برای هدایت انسان کفایت نمایند بلکه باید برنامه تربیتی از سوی خداوند تشریح شود.

در سوره‌های متعدد قرآن کریم برنامه تربیتی پیامبران الهی ذکر شده و انسان‌ها را برای پیروی از آن فرا می‌خواند (جمعه: ۲ و آل عمران: ۱۶۴)

این آیات که با اندک تفاوتی پیام واحدی را انتقال می‌دهند یک الگوی تربیت معنوی ارائه می‌دهند. الگویی که بر چهار رکن استوار است: تلاوت، تزکیه، تعلیم و حکمت. هر یک از ای چهار رکن هدفی را تعقیب می‌نمایند، هرچند به صورت یکپارچه انسان را به حیات طیّبه سوق می‌دهند.

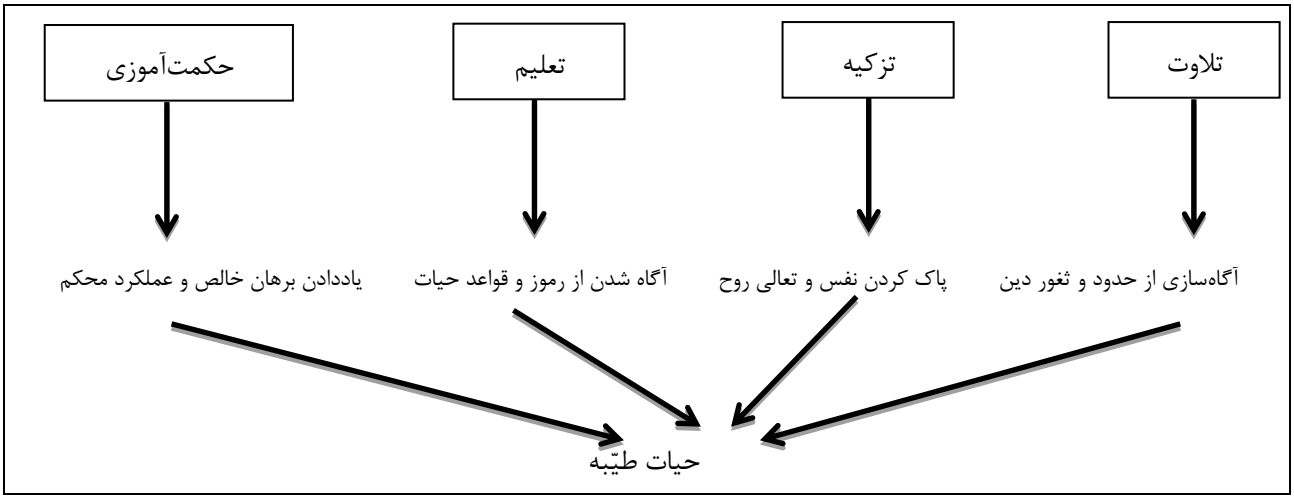
تزکیه مهمترین هدف تربیتی در تربیت معنوی است و قلب را باید قرارگاه اصلح معنویت محسوب کرد. قلب سلیم مورد عنایت ویژه قرآن کریم است و در مقابل آن قلب سقیم قرار دارد. واژه مرض یکی از واژگان قرآنی است که سیزده بار در آن تکرار شده و در همه موارد نیز با کلمه قلب به کار رفته است.

در ادامه درباره هر یک از چهار رکن نمودار ۱ توضیح مختصر داده می‌شود.

پیامبران الهی با تلاوت کتاب خدا، انسانها را از حلال و حرام و حدود الهی آگاه ساخته‌اند تا ابتدا پایه‌های اعتقادی آنان محکم شود. با تحقق این هدف تربیتی، زمینه برای پیگیری هدف‌های بعدی آماده می‌گردد. اصولاً اقدام به تزکیه به شرط ایمان به وقوع می‌پیوندد. تزکیه به قدری در تربیت ایمانی و معنوی اهمیت دارند که خداوند در سوره الشمس با سوگندهای استثنایی اثر تزکیه را یادآور می‌شوند.

مربیانی که به تربیت معنوی توجه دارند و مایل هستند در کودکان و نوجوانان و جوانان روحیه معنوی را تقویت نمایند باید در قلب متربّی اثر بگذارند. با این که قلب و عقل در وجود انسان یکپارچگی دارند و تفکیک این دو وسیله معرفت و پایگاهای تربیت از یکدیگر ممکن نیست ولی برای تأثیرگذاری در هر کدام نیز باید تدبیری اندیشید و برنامه‌ریزی کرد. از جمله عواملی که دگرگونی باطنی در شاگرد ایجاد می‌کند. حال مربی است. گفتار او کمترین اثر را دارد اگر عمل و رفتار او معنوی نباشد. اصولاً قلب متربّی با صدق گفتار واستحکام رفتار مربی تحول پیدا می‌کند. همه دستگاه‌های تربیتی به قصد تربیت معنوی به مربیان شایسته نیاز دارند. طراحان برنامه تربیتی جایگاه بالایی دارند ولی نهایتاً معلمان و مربیان هستند که طرحها را اجرا می‌کنند. اهمیت بسیار بالای قلب در تربیت معنوی نباید ما را از تأثیرگذاری معرفت عقلی غافل کند. پیشران تربیت معنوی قلب است ولی برای ادامه فعالیت‌های تربیتی باید از عقل مدد

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-22]
[DOI: 10.22034/7.4.3]



نمودار ۱. الگوی تربیت معنوی قرآنی

گرفت. هیچیک از این دو حذف نمی‌شود ولی به جایگاهشان باید توجه ویژه نمود. حضرت امام خمینی (ره)، از قول امام صادق علیه‌السلام در خصوص رابطه قلب با عبادت می‌فرمایند(۲):

«در تورات نوشته شده است: ای پسر آدم، فارغ شو از برای عبادت من، تا پر کنم قلب تو را از بی نیازی و واگذار نکنم تو را به سوی طلب خویش، و بر من است که ببندم راه فقر تو را پر کنم دل تو را، از خوف خویش. و اگر فارغ نشوی برای عبادتم پرکنم دل تو را از اشتغال به دنیا و پس از آن نبندم فقر تو را و واگذارم تو را به سوی طلبت».

این بیان نورانی امام صادق (ع) را در کنار آیه آفرینش (ذاریات:۵۶) در قرآن قرار می‌دهیم متوجه می‌شویم اصولاً عبودیت که نهایت خلقت جن و انس را طرح می‌کند از قلب نورانی و تزکیه شده ریشه می‌گیرد. با بیان این نکته که این تأکید به معنای بی‌اعتنایی و غفلت از قوه عقلانی نیست. عقل و دل وقتی با هم رشد می‌کنند فواد شکل می‌گیرد که در آن بصیرت عقلی و نور قلبی پیوند می‌خورد. بدین ترتیب باید گفت در تربیت معنوی، قرارگاه اصلی، قلب است. در آیات مربوط به رسالت انبیاء که در سطور قبلی ذکر گردید، پس از تزکیه، تعلیم انبیا طرح شده است. تزکیه با همه مقام و مرتبه‌ای که دارد برای تعالی همه‌جانبه انسان کافی نیست باید همراه آن تعلیم نیز باشد. تقدم تزکیه بر تعلیم تقدّم رتبی است نه تقدّم زمانی. یعنی این طور نیست که برای تربیت متّربی ابتدا در یک مدت زمان خاص تزکیه به عمل آوریم و در زمان دیگری او را تعلیم دهیم. بلکه به این معناست که اگر تزکیه نباشد. گشایشی از طریق علم‌آموزی به دست نمی‌آید. تعلیمات انبیا فراتر از تعلیمات مدرسه ای و دانشگاهی است. امام خمینی (ره) در خصوص دانش بدون تهذیب می‌فرمایند(۳):

«آن که دانش دارد لکن در نقشش توأم با یک تهذیب و اطلاق و یک ترتیب روحی نیست این دانش موجب این می‌شود که ضررش بر ملت و کشور زیادتر باشد از آنهایی که دانش ندارند. همین دانش را یک شمشیری می‌کند در دست خودش و با آن شمشیر دانش ممکن است که ریشه یک کشور را از بین ببرد و قطع کند».

در فراز دیگری به علم بی‌معنویت می‌پردازند و اظهار می‌دارند(۳):

«آزادی تنها سعادت ملت نیست، استقلال تنها سعادت ملت نیست، مادیت تنها سعادت ملت نیست، اینها در پناه معنویت سعادتند، معنویات معم است. بکوشید تا معنویت حاصل کنید، علم تنها فایده ندارد، علم با معنویت علم است، ادب تنها فایده ندارد ادب با معنویات، معنویات است که تمام سعادت بشر را بیمه می‌کند و کوشش کنید در تحصیل معنویات، در خلال علم که تحصیل می‌کنید معنویات را تحصیل کنید، دانشگاه‌ها معنویت پیدا بکنند، مدارس معنویت پیدا کنند، مکتب‌ها معنویت پیدا بکنند، تا انشاءالله سعادتمند بشوند. خداوند همه شما را سعادتمند کند»

طبق نظر امام راحل (ره) معنویت چیزی در کنار دین و یا جزئی از دین نیست بلکه اصل دین است. چنانچه با معنویت، حکمت نیز استقرار یابد به کمال انسان افزوده می‌شود. حکمت را باید برهان خالص دانست که وقتی در وجودی قرار گیرد او را به یک شخصیت متوازن ولی محکم تبدیل می‌کند. چنین انسانی است که قول او و فعل او به مثابه ملاک و میزان تلقی می‌شود. وقتی جامعه با چنین انسان‌های معنوی و حکیم تشکیل شد مصونیت پیدا می‌کند. در این خصوص امام راحل(ره) می‌فرمایند(۴):

«این همه اسلام خواستن، توجه همه به معنویت بودن، توجه به خدا و دین خدا بودن شما را پیروز کرده، این توجه را از دست ندهید این امر پیروزی است. کلید پیروزی است، این کلید را محکم نگه دارید، وحدت پیدا کنید، مقصد هم خدا.» بدین ترتیب،تربیت معنوی را باید در رأس برنامه‌های تربیتی قرار داد وبرای آن طرح‌ریزی کرد. آنچه که با عنوان سلامت معنوی گفته می‌شود حاصل تربیت معنوی است.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.22034/7.4.3]

برنامه درسی معنوی (Spiritual curriculum)

برنامه درسی در تعلیم وتربیت رسمی جایگاه مهم دارد و در علوم تربیتی، علم خاص جهت ساماندهی آن با عنوان برنامه‌ریزی درسی پایه‌گذاری شده است. با توجه به ماهیت تربیت معنوی به نظر می‌رسد منطقی نیست برای آموزش معنویت به دانش آموزان و دانشجویان عنوان درس مجزایی پیش بینی شود. این کار مثل آن است که بگوییم روح در پیکر انسان در یک عضو بدن مستقر است. اگر چنین تصور شود می‌توان اشکال گرفت که سایر اعضای بدن چگونه زنده هستند. معنویت باید به مثابه روح تعلیم و تربین در همه برنامه‌های درسی ساری و جاری باشد و همه دروس دارای صبغه معنوی باشند.

معنویت، فرا برنامه درسی

برخی امور به دلیل سرشت وسیع و گسترده خود فوق همه برنامه‌های درسی قرار می‌گیرند و در یک موضوع ویژه نمی‌گنجد. تربیت دینی تربیت اخلاقی، تربیت عقلانی (Rational education)، تربیت هنریو امثال این‌ها عمدتاً ویژگی فرا برنامه درسی را دارا هستند. برای نهادینه شدن ارزش‌های مرتبط با این عرصه‌های گوناگون تربیت لازم است با دید وسیع به آنها پرداخته شود تا زندگی را فرا گیرد. معنویت نیز یکی از فرا برنامه درسی است که مثل یک چتر همه دروس را تحت پوشش قرار می‌دهد.

در این مورد چند نکته قابل تأمل وجود دارد که توجه به آنها در جهت متناسب‌سازی برنامه‌های درسی با موضوع کلان معنویت ضروری است:

۱. نسبت دروس با معنویت به یک صورت نیست بلکه ماهیت هر درس در متناسب‌سازی اثرگذار است.
۲. استقرار تربیت معنوی در ساختار برنامه‌های درسی منحصربه‌یک مؤلفه آموزشی نیست بلکه از طریق مؤلفه‌های مختلف از قبیل: متن، تصویر، عکس، مثال، فیلم آموزشی و یا سایر ابزارهای رسانه‌ای می‌توان چنین ارتباطی را برقرار نمود. ممکن است در یک درس، متن آموزشی کارآیی بالایی داشته باشد و در درس دیگر ابزارهای دیگر.
۳. در بهره‌مندی از معنویت و تربیت معنوی هوشیاری لازم وجود داشته باشد و از اختلاط عرفان‌های کاذب و معنویات غیراصیل و دروغین به ساختار تربیت معنوی پیشگیری گردد. لازم است گروه برنامه‌ریزی درسی به منابع معتبر در این خصوص رجوع کنند و به دانش معنوی خود بیفزاید.

تعیین نیازها

در طراحی برنامه درسی، نخستین گام تعیین نیازهاست. در تعیین نیاز، بین دیدگاه‌ها، افراط و تفریط رخ داده است و باید معدل‌گیری کرد. در برنامه‌ریزی درسی معنوی قرآن بنیاد، صلاح نیست نگاه از بالا به پایین قاعد و عمل باشد، هرچند از توجه اصولی به آن نیز گریزی نیست. طبق انسان‌شناسی قرآن خداوند به انسان اراده و اختیار داده(انسان:۳) و در تربیت او باید از اختیار کمک گرفت و اراده را در فرایند برنامه‌ریزی دخالت داد. در تعیین نیازها نیز همین نگاه را باید تعقیب نمود تا از اصل توازن که تضمین‌کننده سلامت تربیت است زاویه گرفته نشود.

فهرست نیازها

براساس مطالعات و با رعایت اصل توازن در برنامه‌ریزی درسی نیازهای زیرجهت برنامه‌ریزی درسی معنوی پیشنهاد می‌دهد(جدول۱). بی‌تردید با مطالعات عمیق‌تر و با تکیه بر پژوهش‌های دیگر می‌توان فهرست دیگری از نیازها را طرح نمود(۸-۵).

تدوین هدف‌ها

برپایه نیازها، هدف‌های برنامه درسی تعیین می‌شود. هر موضوع ظرفیت و مختصات معیّن دارد و از همان زاویه باید به نیازهای معنوی وصل شود. به علاوه اینکه انواع نیازهای کلان نیز وضع یکسان ندارند. به عنوان نمونه نیاز کلان بند ۲ به ارزش‌های اسلامی‌توجه دارد و این ارزش‌ها در برنامه‌های درسی گوناگون جلوه و مصادیق مختلف می‌تواند داشته باشد. درس اقتصاد با ارزش‌های اقتصادی اسلامی، درس روان‌شناسی با ارزش‌های روحی روانی، درس جامعه‌شناسی با ارزش‌های اجتماعی در منظومه فکری اسلامی‌پیوند می‌خورند. در تدوین هدف‌ها لازم است ابتدا نسبت بین سرشت هر درس با سرشت نیازهای کلان فهم شود و براساس آن هدف‌ها تعیین گردند. مَثَل هدف‌ها مَثَل شاخه‌های درخت است که تنوع دارند ولی از تنه واحد انشعاب پیدا کرده‌اند. این انشعاب، ضروری و مفید است زیرا که کثرت در عین وحدت است. این قاعده در مراحل بعدی نیز نمایان می‌شود.

جدول ۱. فهرست نیازهای معنوی برنامه درسی

۱. ایمان به خدای متعال به عنوان کانون هستی
۲. ایمان به ارزش‌هایی که اسلام همراه رسالتش برای هدایت بشر آورده است.
۳. ایمان به آینده انقلاب اسلامی ایران
۴. تربیت معنوی نسل جدید با تکیه بر معنویت اصیل الهی
۵. فهم درست و دقیق از پیشرفت‌های کشور
۶. حس تعهد عمیق به حل مسائل و مشکلات ایران اسلامی و امت اسلامی
۷. تربیت پژوهشی و علمی نسل جدید بر محور ضرورت‌های نرم‌افزاری
۸. شناخت ابعاد کلی تمدن اسلامی- ایرانی
۹. یاری به توسعه امکانات و توانایی‌های علمی و غیرعلمی کشور
۱۰. تربیت انقلابی کودکان و نوجوانان و جوانان
۱۱. لزوم حس تعهد و کوشش در تربیت خود و دیگران

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.22034/7.4.3]

محتوای برنامه درسی

در تربیت معنوی، محتوا جایگاه ویژه دارد زیرا تنها عنصری است که عملاً با وجود شاگردان تماس پیدا می‌کند و اثر مستقیم باقی می‌گذارد. برای تربیت معنوی و تهیه محتوا باید از قرآن و احادیث کمک گرفت. به چند نمونه از این کمک‌های قرآن به تهیه محتوای برنامه درسی اشاره می‌شود. طبق آموزه‌های قرآنی، همه عالم نشانه‌های خداوند است. (فصّلت،۵۳) این نشانه‌هادر افاق و انفس پخش شده است. آیات انفس حاکی از جلوه‌های فطری در انسان که به روان‌شناسی و علوم تربیتی جهت می‌دهند و آیات آفاقی حاکی از جلوه‌های آفرینش در امور طبیعی است که به علوم طبیعی و تجربی هویت دینی می‌بخشد. بر این اساس در محتوای دروس، خلقت محور قرار می‌گیرند نه صرفاً طبیعت. همه طبیعت در ظاهر ماده هستند ولی در بعد ملکوتی معنایی را حمل می‌کنند که تفکر در آن راه به سوی معنویت باز می‌کنند.

محتوای برنامه‌های درسی ضمن رعایت اصول علمی‌به تعهدات ارزشی نیز وفادار می‌ماند و ایمان افزایی نیز به عمل می‌آورند. حقیقتاً تلازم علم و ایمان در محتواها به هم پیوند می‌خورند و به تربیت ایمانی و معنوی شاگردان کمک می‌کنند.

قرآن کریم با یادآوری طعامی‌که انسان میل می‌کند، آیه هشداردهنده و حکیمانه‌ای را مطرح می‌سازدو می‌فرماید(عبس :۲۴): «انسان بنگرد به طعامی که استفاده می‌کند» این غذا صرفاً مادی نیست بلکه نوع تربیتی که با محتواهای معین برای انسان‌ها منظور می‌شود نیز از مصادیق طعام می‌باشد. آنچه که با عنوان علم نافع ذکر می‌شود در بحث محتوا طرح می‌شود. علم نافع حاکی از آن است که علم مضر نیز وجود دارد. علم مضر یعنی علمی که آموختن آن باعث انحرافات فکری می‌شود. بنابراین محتواء آموزشی باید با دقت بسیار بالایی انتخاب شوند و سازمان مطلوب تربیتی و یادگیری به خود بگیرند. نکته دیگری می‌توان بیان کرد رعایت انعطاف در انتخاب و سازماندهی محتواست. از آماده ساختن همه محتوا از قبل و ارائه آن به شاگردان به قصد آموختن، اقدام منطقی به نظر نمی‌رسد. باید برای اندیشه‌ورزی و تولید ایده و نظر از طرف شاگردان در محتوا باز نمود. این نگاه به محتوا را از قرآن به دست می‌آوریم. بعضی روایات اولین مخلوقی که خداوند آفریده است؛ را عقل داشته‌اندکه به چند نمونه اشاره می‌شود:

حضرت رسول اکرم (ص) فرمود: اولین چیزی که خداوند خلق کرد عقل است.

امام موسی بن جعفر علیه‌السلام خطاب به هشام فرمود:

ای هشام خداوند عقل را خلق کرد و او اولین مخلوقی است از روحانیّین که خداوند آن را از سمت راست عرش، از نور خودش آفرید

ساده‌ترین فهم از روایات فوق این است که عقل پیشران آفرینش است و همه مخلوقات در مرتبه‌های مختلف در پرتو عقل زیست می‌کنند.

خیلی از حقایق را می‌توانیم از طریق مواجهه عقلانی با امور به دست آوریم و آنها را به‌طور عمیق بفهمیم. وقتی قرآن به‌طور صریح می‌فرماید (الغاشیه:۲۰-۱۷): «چرا به شتر نمی‌نگرند و فکر نمی‌کنند که چگونه خلق شده است.» قصد دارد که انسان‌ها در این خلقت و سایر خلقت‌های دیگر بیندیشند و به فهم برسند. بر این اساس باید پذیرفت که نمی‌توان همه محتوا را لزوماً از قبل آماده کرد. بخشی از آن به وسیله تفکر متّربی آماده می‌شود. حتی آن بخشی که از قبل آماده می‌شود باید به صورت عقلانی و حکیمانه تهیه شود.

سازماندهی محتوا در برنامه درسی معنوی

توجه به معنویت و گنجاندن عناصر معنویت‌پرور در محتواهای آموزشی وجه مشترک همه محتواها را تشکیل می‌دهد. ضمن این که این ویژگی، محور وحدت بخشی برای همه برنامه‌ها فراهم می‌سازد، دروس نزدیک به هم نیز می‌توانند موضوعات مشترکی را با رویکرد شیوه سازماندهی چند رشته‌ای پیش‌بینی و همکاری‌های مفهومی داشته باشند. به نظر می‌رسد در یک نگاه وسیع‌تر برنامه‌ریزی برای حل مسائل جامعه اسلامی، و بازکردن راه پیشرفتی برای انسان‌ها را بتوان از مصادیق معنویت محسوب نمود. همانطور که در فهرست نیازها یادآور شدیم. تعهد به حل مسائل جامعه از جمله نیازهای معنوی است و چنانچه تعدادی از برنامه‌های درسی قادر باشند این مسئله را در ذهن شاگردان حل کنند و آنان را برای ایفای نقش شهروندی آماده نمایند؛ در مسیر معنویت گام برمی‌دارند. معنویتی که در اسلام مطرح است معنویت خلوت گزین نیست بلکه معنویت جامعه‌گرا است. هر قدم برای کارگشایی و گره‌گشایی، قدم معنوی است و اگر با نیت خالص عمل شود معنوی‌تر است. در مجموع می‌توان شیوه چند رشته‌ای را برای سازماندهی محتوا در عرصه معنویت مناسب و مفید تلقی کرد.

نکات اساسی مرتبط با روش‌های تدریس

۱. نکته نخست این که در پرورش معنویت در شاگردان مهمترین عامل نقش معلم و اثر الگویی اوست. چنانچه معلم شخصیت معنوی داشته باشد و علاوه بر امور علمی و مادی به فراتر از مادّه مخصوصاً خدای متعال تکیه کند و درس توکّل و توسّل را عملاً بیاموزد بدون شک شاگردان با روحیه معنوی تربیت می‌شوند. علت این که همه رهبران الهی- در حقیقت معلمان اعزامی از سوی خدا- همه معصوم بوده‌اند حکایت از همین حقیقت می‌کند. رسول مکرم اسلام (ص) برای مردم اسوه است (احزاب: ۲۱). حضرت ابراهیم (ع) اسوه است. امام حسین(ع) فرمود من اسوه برای شما هستم (۹).

این بزرگواران در حقیقت برای تدریس در کلاس درس هستی از سوی خداوند منصوب شده‌اند. در پرتو رابطه معنوی مطالب علمی نیز بهتر آموخته می‌شود. چون معنویت نوعی انفعال مثبت به وجود می‌آورد و پذیرندگی را ارتقاء می‌دهد.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.22034/7.4.3]

۲. نکته دوم در بحث روش‌های تدریس برهان‌محوری است: «اگر راست می‌گویید دلیل خود را بیاورید»(بقره:۱۱۱). این که در قرآن کریم بین برهان و صدق رابطه برقرار شده است حاکی از این حقیقت است که برهان‌محوری علامت صدق است و صدق هم کانون معنویت است. صفت صدق در هر فردی باشد نشانی از معنویت است. لذا تدریس باید برپایه براهین انجام شود نه براساس حدس و گمان. براین اساس استاد ضمن تدریس شایسته است مدلّل حرف بزند و از شاگردان نیز دلیل بخواهد.

۳. نکته سوم، لزوم مداخلات معنوی در فرایند تدریس است. هر قسمت از تدریس مناسب باشد می‌توان باتوجه به ماهیت موضوع نکات اخلاقی و معنوی را دخالت داد. این نوع مداخلات مؤثرتر از بیان واضح و مستقیم است. ترکیب و یا تلفیق مطالب با یکدیگر چنانچه با دقت لازم همراه باشد برای یادگیرنده جالب توجه خواهد بود چون با یک آفرینندگی همراه است. اگراین تلفیق به طرز صحیح انجام گیرد با نوعی تحیّر همراه است و تحیّر نیز به تفکر منتهی می‌شود. مداخله معنوی می‌تواند یادآوری یک آیه قرآنی، یک حدیث، نکته تاریخی، ضرب‌المثل، اشعار مناسب و یا هر چیز دیگری باشد که اثر معنوی باقی بگذارد.

۴. نکته چهارم، توجه دادن شاگردان به علت فاعلی پدیده‌ها است. در بررسی هر موضوع و پدیده ای صرفاً به علل مادی و عینی نپردازیم بلکه به علل فاعلی و غایی نیز اشاره کنیم و ذهن شاگرد را به فراتر از ماده متصل سازیم. اگر شاگردان از طریق تدریس‌های معنویت‌گرا و با هماهنگی استادان دروس گوناگون باور پیدا کنند که در محضر خدا هستند و جهان بی‌صاحب نیست متحول می‌شوند. به شرط آنکه این اقدام مستمر و هماهنگ باشد. صرفاً با یک معلم یا استاد و آن هم در یک موقعیّت خاص پیامد ماندگاری به دست نمی‌آید سیاست‌گذاران و مدیران جامعه باید به این مهم بیندیشند و طراحی کنند. به عنوان مثال دانشگاه فرهنگیان که وظیفه اصلی اش تربیت معلم است باید این شایستگی را در وجود معلمان تقویت کند. تدبیر و تدریس به صورت توأمان به حل تدریجی مسئله منجر می‌شود.

۵. نکته پنجم، آغاز و پایان معنوی تدریس است. از برخی کارهای جزیی ولی اثرگذار نباید غفلت کنیم. ساده‌ترین کار ذکر بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم در ابتدای تدریس است و چنانچه با یک اشاره معنوی نیز همراه باشد تأثیر زیادی خواهد داشت. وقتی معلم و استاد هر بار تدریس خود را این چنین شروع می‌کند و تردید نکنید که در شاگرد نیز رغبت معنوی ایجاد می‌نماید. چون فطرت انسان قلاب‌هایی دارد که دلالت‌های معنوی را دریافت می‌کند. پایان تدریس نیز فرصت ارزشمند دیگری است که فضا را معنوی کند. یک دعا در پایان درس آنهم از طرف استادی که مورد قبول شاگردان است اثر باطنی دارد.

بیان شرح حال مختصری از بزرگان عرصه ایمان و معنویت نکته ششم استقرآن کریم شرح حال انبیای عظام و برخی دیگر از انسان‌های غیرمعصوم ولی اسوه را به قصد هدایت بندگان خدا ذکر می‌کند. خیلی از امور در مقام توضیح اثر کمتر دارد ولی وقتی که رفتارها و عملکردها آنهم از سوی خداوند تذکر داده می‌شود منشأ تحول و دگرگونی می‌گردد. با عنایت به سطح شناخت و گروه سنی مخاطب می‌توان نمونه‌هایی انتخاب کرد و ضمن تدریس استفاده نمود.

ارزشیابی

هر جا تربیت و یادگیری انجام گیرد، ارزشیابی نیز مورد نیاز می‌باشد. نوع ارزشیابی و روش‌های گردآوری اطلاعات با ماهیت هدف‌های آموزشی نسبت مستقیم دارد. هر قدر هدف‌ها انتزاعی‌تر و درونی‌تر باشند به همان اندازه به روش‌های کیفی تر در ارزشیابی نیاز دارد. عینی کردن شیوه‌های ارزشیابی تا حدی مناسب است ولی در مواردی که ظرفیت عینی‌شدن ندارند و اصرار عینی‌سازی روش‌ها به اعتبار ارزشیابی لطمه می‌زند نباید اصرار داشت. دانش معنوی را می‌توان تا حدود زیادی با آموزش‌های کتبی و شفاهی مورد سنجش قرار داد ولی روحیه و نگرش معنوی با این ابزارها به دست نمی‌آید بلکه باید از طریق مشاهده رفتار و یا تجربه زیسته به دست آورد. با این ابزارها ست که حقیقت معنویت به مقدار زیادی در افراد معلوم می‌شود. معنویت نیز هم سنخ ایمان است. ایمان با عمل صالح همراه است و این دو نیز با مشاهده مستمر و فهم وجوه مشترک مشخص می‌گردد. دانش معنوی به وسیله توانایی تحلیل یادگیرنده، ارزش‌ها و نگرش‌های او از طریق مشاهده رفتارها و همین طور رفتار او از طریق عملکرد در موقعیت‌های گوناگون تا حدود زیادی مهم می‌شود. باید مراقب بود که شیوه‌های ارزشیابی ایمان و معنویت نفاق پروری نکند. تنظیم یک پوشه مناسب که حاوی اسناد و مدارک نشانگر راجع به شخصیت یادگیرنده باشد به ارزشیابی کمک می‌کند. اصولاً در شناخت منش و روش فرد رجوع به گذشته و بررسی عملکردها روشنگری می‌کند و جمع آن با تحلیل‌های رفتارهای کنونی او به قوت ارزشیابی یاری می‌رساند.

مواد و وسایل آموزشی

به نظر می‌رسد براساس آنچه که در موضوعات پیشین شرح داده شد، در عرضه معنویت پروری به مواد آموزشی با مختصات زیر نیازاست:

۱. هرچند متن آموزشی معنوی در تقویت ایمان و معنویت بی‌تأثیر نیست ولی اصولاً باخواندن متن انتظارات معنوی از یادگیرنده برآورده نمی‌شود. معنویت یک موضوع سیال و ساری است که نمی‌توان در یک درس معین آنرا محصور کرد.

۲. از هنر و ادبیات در مواد آموزشی و ابزارهای محتوایی باید بهره جست. استفاده از دیوان شعرای حکیم مانند حافظ، مولوی،

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-22]
[DOI: 10.22034/7.4.3]

فردوسی، و سعدی و غیره ظرفیت متربّی را ارتقاء می‌دهد. استفاده از این اشعار روحیه را تلطیف می‌کند و زمینه روحی و روانی در یادگیرنده برای پذیرش معنویت فراهم می‌سازد. هنر نیز با همین سیاق در آموزش‌ها مؤثر است. هنرورزی و معنویت‌گرایی هر دو از مقولات فطری هستند و هر چیز که فطری باشد را می‌توان در غنی‌سازی و تکمیل آموزش‌ها مورداستفاده قرار داد. خدای متعال هم برای تربیت بندگان خود از هنر استفاده کرده است. چون هم خالق انسان است و هم خالق هنر. در قرآن که کتاب هدایت است، زیبایی‌های زیادی به کار رفته است. مخصوصاً در سوره‌های مکّی که در یک شرایط ویژه جاهلیّت عرب نازل می‌شود، زیبایی به کار رفته است. موزون بودن این سوره‌ها یک انتخاب الهی است و ما نیز در تدریس خود از این موهبت باید استفاده کنیم. (سوره التکویر: ۹-۱).

خداوند از آیات موزون استفاده کرد تا برای جامعه جاذب باشد و محتوای آنها را نیز با سهولت بپذیرند. بنابراین در تعلیم و تربیت رسمی ضروری است روح هنر و ادبیات در پیکر مواد و وسایل آموزشی دمیده شود و لطافت مطالب و محتوا ارتقا یابد.

۳. از وسایل سمعی و بصری و ابزارهای نوین فناوری استفاده بیشتری به عمل آید. از میزان وسایل خواندنی کم شود به میزان وسایل دیدنی اضافه گردد. چون دیدن، مخصوصاً دیدن رویدادها و صحنه‌هایی که متناسب با ویژگی‌های روان‌شناختی یادگیرنده تدوین شده باشد مؤثرتر است. خدای متعال در قرآن کریم هم بندگانش را عمدتاً به نگریستن و سپس اندیشیدن دعوت می‌نماید. از انسان‌ها می‌خواهد در آیات انفسی و آفاقی بنگرند و در آنها فکر کنند و به حقایق امور پی ببرند. این همه به سفر و گشتن در روی زمین تأکید شده است(روم:۴۲). به خاطر این حقیقت است. تأکید بر نگریستن برای اندیشه‌ورزی است. به دنبال نظر افکندن، اندیشیدن درعالم خلقت، معرفت‌ها را افزایش می‌دهد و به تکامل معنوی کمک می‌کند. در تدریس نیز گاهی نمایش دادن یک فیلم که آموزشی مناسب بیش از ده‌ها نوشته و توضیح اثر معنوی باقی می‌گذارد.

توزیع متوازن هدف‌ها در مواد آموزشی

هر یک از مواد و وسایل آموزشی ظرفی برای پذیرش قسمتی از هدفهای برنامه درسی محسوب می‌شوند. به عنوان مثال بعضی از هدف‌ها در رسانه‌های تصویری (فیلم آموزشی) استقرار بهتری پیدا می‌کنند و برخی از آنها در رسانه‌های شنیداری و بعضی در رسانه نوشتاری و به همین ترتیب سایر رسانه‌های دیگر. در صورت برقراری نسبت مطلوب بین هدفها و مواد آموزشی ظرفیت تربیتی و از جمله ظرفیت تربیت معنوی برنامه ارتقا پیدا می‌کند. همیشه باید طراحان برنامه درسی مدنظر داشته باشند که تربیت با ترتیب نسبت وثیقی دارد. ترتیب به این معنا که در تصمیم‌گیری‌های تربیتی به رتبه وارزش هر عنصر و یا مؤلفه توجه شود و مناسبات ناکارآمد بین آنها برقرار نگردد. لازم به ذکر است که تحقق مطلوب این نسبت به شایستگی اعضای شورای برنامه‌ریزی درسی مربوطه بستگی دارد. برنامه درسی را در مقام طراحی با طراحانش و در اجرا بامعلمانش باید ملاحظه کرد و داوری نمود.

نقش متربّی

در تربیت معنوی علاوه بر کارآمدی مربی و طراحان طرح تربیت، خود متربی نقش فوق‌العاده دارد. چنانچه او نخواهد و یا نتواند معنویت در وجودش به ثمر نمی‌نشیند و تحولی رخ نمی‌دهد. چون تربیت یک مقوله اختیاری است و با جبر نمی‌توان کسی را دگرگون کرد. او موجود عاقل، مختار و صاحب اراده است و در صورت تمایل و ایفای نقش فرصت‌ها و امکانات بیشتری در اختیار دارد. همین که خدای متعالی نیروی عقلانی را در او قرار داده است به این معناست که از او در پیمودن راه کمال، تحرک و پویایی می‌طلبد. تا صراط مستقیم را به اختیار بپماید (انسان:۳). هر قدر متربّی فعال باشد به همان اندازه تربیت نتیجه بخش‌تر می‌شود با این که شاگردان در بعضی موقعیت به انفعال مثبت یعنی سازگاری با منطق و پذیرش حق نیاز دارند ولی از انفعال منفی باید آنان را بر حذر داشت.

محیط تربیت معنوی

معنویت به فضای مناسب نیاز دارد. انسان محاط در محیط‌های گوناگون است. بعضی محیط‌ها معنویت‌پرور هستند و برخی به غرایز و شهوات دامن می‌زنند. بعضی محیط‌ها ارزش‌های اخلاقی را ترویج می‌نمایند و بعضی دیگر خصوصیات غیرانسانی را تقویت می‌کند. کلاس درس نخستین محیطی است که هر شاگرد را فرا می‌گیرد و پس از آن محیط مدرسه به عملکردها جهت می‌دهد. گروه‌های دوستی که توسط دانش‌آموزان در محیط کلاس و مدرسه شکل می‌گیرد یک محیط تربیتی است. البته در دوره کودکی و نوجوانی توجه به تمایلات طبیعی آنان ضروری است و نباید به نام معنویت آنان را از تمایلات روانی عاطفی و اجتماعیشان محروم کرد. ولی برنامه تربیتی طوری باشدکه آنان به صورت تدریجی از آنها عبور کنند و در مراحل بعدی زندگی به افراد معنوی تبدیل شوند. رابطه بین «معبر» و «مقصد» نیز رابطه ظریفی است. از معبر باید عبور کرد و به مقصد باید رسید. محیط تربیتی یک معبر است و بستگی دارد چگونه سازماندهی شده باشد و در عبور فرد چه چیزهایی را به او بدهد و چه چیزهایی را از او بگیرد. همکلاسی‌ها، معلمان و هم‌مدرسه‌ای‌ها، عناصر معبر را تشکیل می‌دهند. نظام عناصر در معبر (محیط) بسیار تعیین‌کننده است.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.22034/7.4.3]

خانواده

با این که در اسناد تحولی و در دین ما خانواده یک عامل تربیتی بسیار مؤثر است ولی در عمل چنین نسبتی استقرار نیافته است. حقیقتاً خانواده به دلایل مختلف در تعلیم و تربیت رسمی شریک تربیتی مدرسه است. تربیت معنوی بدون یاری و تعامل والدین امکان‌پذیز نمی‌باشد. نخستین رایحه‌های تربیت معنوی در خانواده از سوی فرزندان احساس و استشمام می‌شود. آنچه که می‌توان در باره اش اندیشید و طرح‌ریزی کرد تربیت معنوی خانوادگی است که در ادامه آن مدارس ادامه می‌دهند. عکس موضوع نیز ممکن است گاهی خانواده، معنوی است و از مدرسه فرزند خود انتظار تربیت معنوی دارد ولی به دلیل فقدان فضای مناسب در مدرسه این انتظار برآورده نمی‌شود. نظام تعلیم و تربیت و سایر رسانه‌های تربیتی، فرهنگی مخصوصاً صدا و سیما وظیفه آماده‌سازی و بیدارسازی خانواده‌ها را دارند. باید به طرق مختلف به والدین آموزش داد که همان‌طور که به کلاس زبان یا سایر دروس خاص فرزندشان وقت می‌گذارند و اهمیت می‌دهند به تربیت معنوی آنان نیز اهمیت بدهند و چاره‌اندیشی کنند این که قرآن خطاب به مردان می‌فرماید: خود و خانواده خود را از آتش جهنم نگه دارید(تحریم: ۶) از جمله تکالیف تربیت ایمانی و معنوی خانواده است.

جمع‌بندی

موضوع معنویت و سلامت معنوی را نباید موازی سایر ابعاد سلامت قرار داد و نگاه مجزا به آن داشت. همه ابعاد سلامت در پرتو معنویت صبغه معنوی می‌توانند داشته باشند. تربیت معنوی نیز همین ویژگی را دارد. همه عرصه‌ها و ابعاد تربیت باید روح معنوی داشته باشند. می‌توان از تربیت اجتماعی معنویت‌گرا و تربیت اجتماعی مادی‌گرایانه سخن گفت. چنانچه تربیت معنوی بر تربیت علمی‌حاکمیت داشته باشد و عالمان نیز در اثر تربیت صحیح و خدامحور روحیه معنوی داشته باشند، شاگردان معنوی پرورش پیدا می‌کنند. برنامه‌های درسی مدارس جنبه معنوی آنان را می‌تواند تقویت کند و شاگردان را معنویت‌گرای واقعیت‌محور پرورش دهند. در استفاده از معنویت لازم است به اصالت مطالب توجه نمود و از آسیب‌های معنویت‌های کاذب در امان ماند. در تربیت معنوی و طراحی برنامه درسی معنوی قرآن بنیاد باید مراقب بود که معنویت‌های کاذب نفوذ پیدا نکنند. در قرآن واژه معنوی و مشخصات آن ذکر نشده است ولی آموزه‌های معنوی در ابعاد مختلف زندگی بشر تأکید گردیده است. برنامه درسی معنوی در عرض سایر برنامه‌ها نیست بلکه به عنوان فرابرنامه درسی چتر فکری سایر برنامه‌های درسی را تشکیل می‌دهد. در این برنامه، نیازهای معنوی تعیین می‌شود و هر یک از برنامه‌های درسی باید نسبت خود را با نیازهای کلی مشخص سازند و سایر عناصر برنامه درسی را در حوزه خود معین کنند. عناصری از قبیل: هدف، محتوا، سازمان محتوا، روش‌های تدریس، روش‌های ارزشیابی، محیط یادگیری، مواد و وسایل آموزشی، نقش خانواده و غیره مطابق آن تدوین پیدا می‌کنند.

منابع

1. Anvari MR. Factors of Entry and Expansion of Paulo Coelho's Works in Iran; a Sociological Study. Spiritual Studies 2013; 7: 165-195. [In Persian]
2. Khomeini R. Forty Hadith of Ruhullah Khomeini. 2nd ed. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works; 2011. [In Persian]
3. Khomeini R. Sahifeh-ye Imam. 5th ed. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works; 2011. Vol. 7. [In Persian]
4. Khomeini R. Sahifeh-ye Imam. 5th ed. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works; 2011. Vol. 6. [In Persian]
5. Beheshti S, Maleki H, Asadzade H, Fatemi M. Education Strategies Derived from Quranic Anthropology with Emphasis on the Role of Tendencies in Human Nature. Quranic Knowledge Research 2022; 13(48): 65-94. [In Persian]
6. Maleki H. A Speculative Inquiry into the Islamization of the curriculum. Journal of Curriculum Research 2023; 12(2): 279-288. [In Persian]
7. Maleki H. Religious identity curriculum. Tehran: Madreseh; 2021. [In Persian]
8. Maleki H. Curriculum planning (practice guide). Tehran: Madreseh; 2019. [In Persian]
9. Tabari M. Tabari's History of the Prophets and Kings. Tehran: Soroush; 2001. Vol 5. [In Persian]

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.22034/7.4.3]

Opinion

Quran-Based Education and Curriculum Development

Hasn Maleki[*1]

1. ∗**Corresponding Author**: Professor, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, maleki@atu.ac.ir

Abstract

Background: Spirituality is the lost gem of humanity. The aim of this article is introducing Quranic education, requirements and strategies in development of curriculum planning.

Methods: This article has been prepared with a qualitative approach and by content analysis of documents and religious scientific sources.

Results: In addition to explaining the words of Quranic spirituality, spiritual education, spiritual curriculum and extracurricular spirituality, the steps and requirements of developing curriculum content and learner evaluation and the role of educational environment and family have been discussed.

Conclusion: If all areas and dimensions of spiritual education and educators also have a spiritual spirit as a result of correct and God-centered education, spirituality will develop in students. In this situation, school curricula strengthen their spiritual aspect and raise students to be reality-oriented spiritualists.

Keywords: Curriculum, Education, Islam, Spirituality

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.22034/7.4.3]